

ترامپ، بایدن و معضلات بنیادی آمریکا

امان کفا

پس از چند روز حکومت نظامی و حضور نیروهای مسلح حکومت در بسیاری از مراکز ایالات آمریکا، مراسم سوگند بایدن برگزار شد و به ترامپ نیم ساعت فرصت داده شد که کاخ سفید را تخلیه و جای خود را به بایدن و خانواده اش دهند. در عرض همین چند روز، کل فضای میدیا و تبلیغات رسانه ای در آمریکا، علیه ترامپ و «مژده بهار جدید» توسط بایدن چرخید. تمامی تبلیغات آنچنان سازمان داده شده است که گویی ترامپ منشاء انشقاق، راسیسم و ... بوده و حالا قرار است دوره «همبستگی و همدلی» آغاز شود. دوره ای که قرار است با خروج ترامپ، بار دیگر «سرزمین رویایی»، «سرزمین فرصت و پیشروی» احیا شود و بر جهان حکمروایی کند! چهار سال پیش ترامپ، به نمایندگی از راست افراطی، توانست بر موج اعتراض و نارضایتی مردم و خواست های ساختار شکنانه آنان سوار شده و به ریاست جمهوری برسد. سرکار آمدن ترامپ، نه نتیجه مطلوبیت او برای بورژوازی آمریکا، بلکه نتیجه عقب نشینی، تن دادن به شرایط جدید و ... صفحه ۲

منتشر شد:

یک فعال جنبش شوراها از کردستان عراق سخن می گوید

لباس «کردی» و دکان «سیاسی» آقای مهتدی

خالد حاج محمدی

اخیرا برنامه ای از صدا و سیما جمهوری اسلامی پخش شده است و یکی از مهمانان برنامه با لباس کردی و «فرنچی» (جلیقه نمادی که دوره های قدیم در مناطق کوهستانی خصوصا اورامانات میپوشیدند) در برنامه حضور یافته است. مجری برنامه از او میپرسد این لباس چوپانی چیست که پوشیدید. جناب «دکتر» در تمجید از لباس خود و اینکه این «لباس» یادگار زمان کاوه آهنگر و نماد آزادی از چنگال ظلم و بیگانگان است، میگوید و مجری نیز ضمن آفرین گویی به او به تعریف و تمجید از زیبایی لباس فوق می پردازد. برنامه گویا مربوط به دو یا سه سال پیش است که معلوم نیست به چه دلیلی دوباره پخش شده است. این ماجرا سوژه و بهانه ای شد تا قشری از روشنفکران متعصب ناسیونالیست کرد، از نمایندگان کرد مجلس شورای اسلامی تا طیفی از افراد در اپوزیسیون دست به تحریرات قومی بزنند.



طیفی که تشبیه لباس کردی جناب «دکتر» به لباس چوپان را توهین به فرهنگ و مقدسات خود دانسته و خونشان به جوش آمده و در تقدیس لباس کردی دست به تحریک زدند. عده ای آرشیوهای قدیمی خود را زیر و رو کردند تا عکس های خود با لباس کردی را بیابند و به نمایش بگذارند، در تمجید از لباس به عنوان «هویت» و افتخارات یک «ملت» نوشتند و گفتند و شعر سرودند. ... صفحه ۲

مردم واکسن مجانی و فوری می خواهند!

مظفر محمدی

ده ها میلیون انسان در ایران خواستار واکسن مجانی و واکسیناسیون فوری در قبال بیماری کوید-۱۹ هستند. این یک اولویت فوری و فوری جامعه برای تامین سلامت مردم است.

در حالی که واکسن در کشورهای مختلف در ابعاد میلیونی استفاده می شود در ایران خبری از واکسن نیست. کشورهای زیادی از ماه ها قبل در صف خرید واکسن که هنوز در حال آزمایشات اولیه بود ایستادند و میلیون ها دوز را پیش خرید کردند. اما جمهوری اسلامی به بهانه دشمنی با این و آن کشور بهترین و موثرترین واکسن را ممنوع کرده است. این در حقیقت دشمنی با علم و حکم عامدانه قتل است. این عمل جنایتکارانه شبیه جنگ ۸ ساله ایران و عراق است. در حالی که امکان ختم جنگ وجود داشت اما رژیم در به کشتن دادن صدها هزار سرباز و بسیج و کودکانی که برای پاکسازی مین مغزشان را شستشو داد بود نند، ابایی نداشت.

جمهوری اسلامی بخاطر لم دادن حکام و ناچیز جلوه دادن بیماری و ارجاع مردم به دعا و شفا و نهایتا طب اسلامی، مسوولیت کشتار ده ها هزار انسان و ابتلای میلیونی مردم به بیماری مهلک را برعهده دارد. رژیم نمی خواهد هزینه کند. می خواهد ذخایر عظیم نقدی و جنسی در کنترل دولتمردان سیاسی و نظامی و اقتصادی دست نخورده بماند و یا به مصرف نمایشات مسخره نظامی و تروریست پروری در منطقه برساند.

امروز مساله واکسن مجانی در راس مطالبات اجتماعی و میلیونی مردم ایران قرار دارد. نباید گذاشت این رژیم بیشتر از این با جان مردم بازی کند. عواقب شیوع بیماری در ایران علاوه بر کشتار جمعی در یک سال اخیر، میلیون ها نفر را به صف بیکاران اضافه کرده است، میلیون ها دانش آموز بدلیل عدم امکانات آموزش مجازی از تحصیل باز مانده اند. و ابعاد فقر و فلاکت هر روز بیشتر از پیش جامعه را بر لبه پرتگاه قرار داده است. رژیم نابکار اسلامی را باکی نیست. عدم شفافیت و فقدان اطلاعات باعث شده است که جامعه از تصمیمات مخرب و خائمانسوز حکام اسلامی بی خبر باشند. حتی جامعه پزشکی و توان این بخش هم به دلیل دخالت ها و احکام ابلهانه حکام از تصمیم و اندیشه کارا و موثر بازمانده اند. نداها و هشدارهای بخش پیشرو و دلسوز پزشک و درمان و بیمارستان ها از دکتر و پرستار و غیره، زیر آوار فشار سیاسی و نظامی و تبلیغاتی پوچ خفه می شوند.

امروز مردم با چشمان خود می بینند که تعدادی مترجع و عقبمانده با نیابت پلید و اعتقادات پوسیده و اعمال مجرمانه جامعه را به ویرانی می کشانند. ... صفحه ۲

آزادی برابری حکومت کارگری

مردم واکسن مجانی و فوری میخواهند...

در حالی که اکثریت جامعه زیر بار فقر و گرسنگی و مرگ و میر کمرشان خم شده، جنایتکاران حاکم موشک پرانی می کنند و آن را افتخار ملی می نامند! این ننگ دستگاه حاکم است.

مملکتی که نصف جمعیتش زیر خط فقر زندگی می کنند، و نظامی که از تامین معیشت جامعه عاجز است، می خواهد با تبلیغات و جنگ زرگری با دشمن فرضی اذهان را مشغول کند. طبقه کارگر و مردم بپاخاسته فاجعه مرگ و میر و زندگی فلاکت بار را نمی خواهند بپذیرند و اجازه نمی دهند مشتی سرمایه دار و آخوند مرتجع و ضد علم و ضد انسان، مشتی آدم خرفت و بی شعور و بی شرف زندگیشان را به باد فنا بسپزند.

مردم ایران شاهد تلاش بشریت متمدن جهان برای محافظت از خود و تامین سلامت جامعه از طریق بهداشت و جوامع پزشکی هستند. پیشرفتهای بشر در حوزه بهداشت و سلامت به امکانات و ظرفیت بالایی رسیده است. نظام های پوسیده ای چون جمهوری اسلامی و طالبان افغانستان نمی توانند با تبحر و بلاغت مذهبی و سرکوب نظامی جلو این پیشرفت بشر را بگیرند و مردم آزاد و آگاه را از آن محروم کنند.

بی تفاوتی جمهوری اسلامی در مقابل پیشرفتهای علمی بین المللی و محروم کردن مردم ایران از آن به بهانه های واهی و دشمنی کور با علم، درست همان روشی است که طالبان در افغانستان به کار گرفته است و مانع واکسینه کردن کودکان در مقابل فلج اطفال شده اند. وعده تولید واکسن ایرانی هم در واقع ترفندی برای شانه خالی کردن از خرید واکسن مطمئن است که امروزه در سراسر جهان مورد استفاده قرار گرفته است. امروزه در جهان ساختارهای بهداشتی بگونه ای است که ارتباط و همکاری جهانی را برای مقابله با شیوع کرونا آسان کرده است. بشر جهان امروز و جوامع علمی در مقابل بی توجهی سرمایه داران حاکم به بهداشت عمومی و ناتوانی در مهار بیماری هایی چون کرونا زنگ خطر را به صدا در آورده اند. دنیای پس از کرونا بشر را در مقابل حکام سرمایه به چالشی بزرگ برای تامین سلامت و معیشت جامعه فرا می خواند. جمهوری اسلامی نمی تواند گوش های خود را به این نیاز حیاتی بشر بسته و کماکان مدعی صاحب جامعه ای باشد که هیچ سختی با نیازهایش ندارد. دنیای پس از کرونا دنیایی بدون ترامپ ها و خامنه ای ها و دیگر سردمداران خاطی و مجرم جهانی خواهد بود. استدلال ضد انسانی نظامی که رییس دولتش یک شارلاتان لمپن است و در کمال بی شرمی اعلام می کند که بگذار دو میلیون نفر بمیرند تا سی میلیون به خیابان نیایند، تکان دهنده است. نظامی که رهبر عظیمایش خرید واکسن های پیشرفته و مطمئن جهان را ممنوع اعلام می کند، یک رفتار فاشیستی و عمل مجرمانه را مرتکب می شود.

امروز که علاوه بر فقر و فلاکت و گرسنگی مردم، بیماری مرگبار کرونا هم روزانه صدها انسان را روانه گورهای دستجمعی می کند، بیش از همیشه حیاتی، ضروری و فوری شده است که بخشی از سرمایه و سودهای باد آورده و بیرون کشیده شده از کرده طبقه کارگر و زحمتکشان جامعه به موضوع سلامت جامعه اختصاص یابد. مردم ایران یک صدا واکسن فوری و مجانی می خواهند! مردم در انتظار وعده ی واهی واکسن ایرانی نمی نشینند تا هر روز شاهد مرگ صد ها انسان در مقابل چشمان خود باشند. فتوای خامنه ای ابله در محروم کردن مردم ایران از واکسن های پیشرفته بهر بهانه ای محکوم و مذموم است. مردم خواستار فوری تهیه واکسن و بکارگیری آن تحت نظارت نظام علمی و پزشکی و نمایندگان واقعی خود هستند. ماموران سیاسی و نظامی رژیم حق دخالت در توزیع واکسن و اولویت بندی آن ندارند. به دستگاه های سیاسی و نظامی این نظام اعتمادی نیست. این کار باید تحت نظارت نظام علمی و پزشکی و اطلاع رسانی شفاف به مردم انجام گیرد.

رهبران کارگری و مردمی، زنان و جوانان ازادپخواه، روشنفکران انساندوست جامعه و در پیشاپیش همه، کمونیست های طبقه کارگر و در میان زحمتکشان در قبال دفاع از زندگی مردم و حفظ جان و سلامت و تامین زندگی شان، مسوولیت تاریخی و سرنوشت سازی را برعهده دارند. حق طبیعی هر انسانی است که در مقابل بیماری و فقر و گرسنگی محافظت شود. دولت هایی که دارایی های جامعه را در قبضه خود دارند، موظف به احقاق این حق پدیدهی انسان های جامعه هستند. نظامی که از زیر بار این مسوولیت شانه خالی می کند باید کنار برود و سرنوشت جامعه را به دست صاحبان واقعی اش بسپارد.

ترامپ، بایدن و معضلات بنیادی...

قبول تغییراتی که پیش تر توسط ساختار سنتی ممکن نبود، از طرف هیئت حاکمه آمریکا بود. ترامپ، به این اعتبار، مستقل از تمامی عر و تیزهایش، نه خالق که مخلوق دست راستی این تقابل عمیق و وسیع در جامعه آمریکا بود. امروز اما صحنه تغییر کرده است و جامعه آمریکا با معضلات متعددی دست و پنجه نرم میکند. اوضاع وخیم اقتصادی، گسترش اعتراضات به تبعیض و نژاد پرستی، بی اعتباری کامل دولت در فراهم آوردن حداقل امکانات برای مقابله با کرونا و جلوگیری از جان باختن هزاران مبتلا به کرونا در روز، ... صحنه جامعه را تغییر داده است و قرار است ترامپ، محور همه این مصائب معرفی شود.

یورش بخشی از نیروهای راست افراطی به کنگره آمریکا، امکانی را برای قربانی کردن ترامپ، آنهم در سطح وسیع جامعه، فراهم کرد. یورش که «طرفداران دمکراسی»، با تکیه بر «تقدس» ساختمان کنگره به عنوان بنای تاریخی و پدران آمریکا، «عبد دمکراسی» و ... دلیل موجهی برای شلیک تیر آخر به ترامپ را بدست داد. فرصتی که بتواند جلوی هرگونه تاثیر گذاری ترامپ و طرفدارانش، خارج از چارچوب ساختار سنتی آمریکا را بگیرد. ظاهرا کل هیئت حاکمه آمریکا بر سر این امر توافق دارند. تنبیه ترامپ برای محدود کردن جنبش دست راستی و ضد ساختار که برای ارزشهای فرهنگی، سیاسی، دمکراسی پارلمانی، کدهای رفتار سیاسی و ... «جهان متمدن» پیشیزی ارزش قائل نیست و نه فقط آماده تعرض به این ساختار است که قدرت اجتماعی و حتی نظامی این تعرض را دارد. بورژوازی این درجه از «یاغیگری» را حتی از خودی ها نمی پذیرد.

در این راه، ترامپ، سرمایه و امکانات او، همه و همه را باید قربانی کنند. اما، چنین حرکتی مسلما به ترامپ محدود نخواهد ماند و ترکش آن می تواند گریبان حاکمان فعلی، و مشخصا حزب جمهوریخواه را هم بگیرد. امری که به صراحت توسط بخشی از نمایندگان هر دو مجلس آمریکا، ابراز شده است. امروز، ظاهرا دوره «ماه عسل» ریاست جمهوری جدید، امکانی است که همه پشت سر بایدن نمایندگی ساختار و «ناجی دمکراسی»، زیر پرچم «پایان دادن به دو دستیگی»، به صف شوند. تقابلهای افراطی هر دو طرف، برای مدتی کنار خواهد رفت، تا همگان تغییر ریاست جمهوری، عزم هر دو حزب در دفاع از ساختار و مقدسات آن را ببینند.

بایدن به سرعت چندین تصمیم جنجالی ترامپ را لغو کرد و موج اظهار خوشحالی و هورا کشیدن را چه از درون هیئت حاکمه آمریکا و چه از طرف قدرتهای جهانی را به راه انداخت. اما عمر این هیاهو و «اتحاد» و وعده «تغییرات اساسی» در سیاست ها کوتاه است.

سیاست عمومی هیئت حاکمه آمریکا در کلیت آن، ادامه همان سیاست ها به نحوی دیگر خواهد بود. بحران فعلی، رقابت های بین قطب های جهانی سرمایه براتب عمیق تر از آن است که این هیاهوی میدیایی بورژوازی بتواند بروی آن سرپوش بگذارد.

در حالیکه زرمه های انتقام گیری از ترامپ با پایان یافتن دوره ریاست جمهوری و «مصونیت قانونی» او (مانند نتانیاهو در اسرائیل و جانسون در بریتانیا) به گوش می رسد، ترامپ به هوادارانش قول داد که «برای برآوردن خواسته های مردم آمریکا» همچنان خواهد کوشید و مدت این «خداحافظی» کوتاه خواهد بود. درعین حال گمانه زنی ها از شروع یک سرویس اطلاع رسانی جدید تا تشکیل حزبی جدید با نام «میهن پرستان» در آمریکا، و غیره شروع شده اند.

ممکن است مجلس سنا استیضاح ترامپ را تأیید کند، و امکان حضور ترامپ را در انتخابات بعدی و بالطبع تاثیر گذاری او را بعنوان رئیس جمهور غیرممکن کنند. اما معضلات اصلی آمریکا همچنان پا برجا است. جنبش دست راستی که ترامپ به آن اعتماد به نفس، مشروعیت و اتوریته داد، را نمیتوان با صرف افسار زدن به ترامپ خافه یافته اعلام کرد. شعله های خشم و اعتراض به نژادپرستی سیستماتیک، به تبعیض و فقر، بی اعتمادی وسیع به ساختار سنتی و حاکم را نمیتوان با لبخندهای بایدن و انتخاب یک زن سیاهپوست خاموش کرد. معضلات اقتصادی آمریکا، معضل موقعیت آمریکا در جهان چند قطبی و ... همه و همه کماکان مسائل و معضلاتی است که بایدن، حزب دمکرات و هیئت حاکمه آمریکا با آن روبرو هستند و پاسخگویی به آنها در جامعه شقه شقه شده آمریکا و در جهان بحران زده امروز سخت تر و پیچیده تر است.

میان حقوق جهاشمول انسان، قانون اساسی دولت آتی شوراه است

«خشمگین ترین» آنها در تحقیر و توهین و بی حرمتی به غیر کرد زبانان هر مرزی را درنوردیدند و ظرفیت فاشیستی خود را به نمایش گذاشتند. اما این تحرک و بالا آمدن رگ غیرت «ملی» این روشنفکران ناسیونالیست، ربطی به آن مصاحبه و به لباس کردی و «فرنجی هورامی» ندارد. کما اینکه اگر گوینده برنامه به جای چوپان میگفت این لباس قدیم و دوران ایلخانهای مثلا بابان و اردلان و محمد رشید خان است، کسی صدایش در نمی آمد. اما هر چه هست این پدیده بهانه و سوژه ای شد تا عده ای با فریاد «به کرد اهانت شده»، بر طبل پوشیده ترین و عقب مانده ترین احساسات ناسیونالیستی و قوم پرستانه بکوبند و به بهانه اعتراض به صدا و سیما با شعارهای «لباس من هویت من است» و تلاش در راه انداختن طوفان هشتک «لباس کردی» بار دیگر به نفرت قومی دامن بزنند. «طوفانی» که با اعلام اینکه «ملت کرد پاره تن نظام و اسلام اند» از طرف روسای امور صدا و سیما به سرعت خوابید!

عبدالله مهتدی، که در فرصت طلایی و سوار بر موج شدن مهارت خاصی دارد، این موج نفرت پراکنی عقب مانده و ضد تمدن را فرجه ای برای دامن زدن به آتش کینه توزی کور قومی و پر رونق کردن دکان سیاسی خود دانست. او نیز در تقدیس لباس کردی به شیوه همه قوم پرستان، مردم شهرهای مختلف کردستان را فراخواند که همه جا با لباس کردی به خیابانها بیایند و «فتخارات» خود را به نمایش بگذارند. آقای مهتدی فراخوان خود را با عکس خود و فرنجی گرانیهای دوره خانگانی تزئین و تلاش کرد نماینده این تحرک حاشیه ای و عقب مانده شود. فراخوانی که البته جوابی جز ریشخند از طرف مردمی که ناسیونالیسم کرد و عظمت طلب ایرانی و همه نوع این تعصبات را به یک اندازه ضد آزادی و رهایی خود میدانند، نگرفت! بر کسی پوشیده نیست نفس لباس چه سنتی و چه مدرن و امروزی از هر نوع آن، چیز جز پوشش انسانها نیست و هیچ هویتی را بر نمی تابد. بعلاوه زبان و گویش انسانها و محل تولد هیچ کسی برتری بر دیگری ندارد و بیان هیچ تفاوتی و هیچ هویتی برای انسانها نیست. این ناسیونالیسم است که از لباس، زبان، و محل تولد آنها برای اهداف سیاسی و سربازگیری از مردم در خدمت خود، هویت و پرچم سیاسی درست میکند، کاری که چیزی نیست جز شیادی سیاسی علیه هویت انسانی همه انسانها و علیه هویت طبقاتی طبقه کارگر. عبدالله مهتدی و مهتدی های گوناگون ایرانی بخش الترا راست این جنبش اند که تلاش آگاهانه میکنند ناسیونالیسم را تا حد یک فالانژیسم عریان قوم پرستانه ارتقا دهند و مردم همسرنوشت و محروم را به دشم خونی هم تبدیل کنند و خود در قامت رئیس عشیره و رهبر طایفه عروج کنند. فاصله آقای مهتدی و جنبش ناسیونالیسم کرد در فتوا علیه «شمنان کرد» به بهانه توهین به «ساحت مقدس» لباس کردی، با فتوای باندهای اسلامی و جانی در ترور و کشتن «کفار» به بهانه کاریکاتوری از محمد از یک مو باریکتر است. هر دو با ادعای «مآیندگی» از طرف مردمی منتسب به مسلمان یا کرد و... بر زندگی و مبارزه مردم خون میباشند!

آقای مهتدی بار دیگر تلاش کرد از این مجال برای عروج یک فالانژیسم کور قومی استفاده کند. خود پدیده به مردم کرد زبان مربوط نیست. هدف مهتدی و فعالین و سخنگویان قومی و مذهبی که از تفاوت رنگ پوست، زبان، نوع پوشش، محل زندگی و اعتقادات مردم هویت و پرچم سیاسی میسازند هم دلسوزانند برای مردم زحمتکش نیست. در کنار اردوگاه جناب مهتدی در سلیمانیه روزانه زن کشی و قتل عمد از زنان به جرائم ناموسی، کودک آزاری و فقر و بی حرمتی به مردم کارگر و زحمتکش، تحقیر و توهین به همان مردم کرد زبان، از سر کول جامعه بالا میروند، در گوشه کنار شهرهای بزرگ و کوچک کردستان، آذربایجان، تهران، خوزستان و... دهها میلیون کارگر و زحمتکش، مستقل از زبان و ملیت و دین و آیین آنها، توسط بورژواهای گردن کلفت کرد، ترک، عرب و بلوچ و فارس زبان، زندگی و هستی شان به تباهی کشیده شده و برای نان شب خود و خانواده هایشان هر فشار و جان کندن و توهین و اهانت و بی حرمتی را جبرا تحمل میکنند و مهتدی های آن دیار نه اعتراضی دارند و نه خونشان به جوش می آید و نه رگ گردنشان بیرون میزند و نه در دفاع از آنها و علیه بی حرمتی و توهین و اهانت به آنها کلو پاره میکنند. اینها همان چوپانهای جامعه کردستان و بقیه ایران اند و اشراف و اشراف زادگان و روشنفکران و شعرا و سیاستمدارانند نه تنها دلیلی ندارد خم به ابرو بیاورند، بعلاوه خود در توجیه

این موقعیت در کنار همان بورژواها و حکام تشریف دارند. در حاکمیت برادران آقای مهتدی در کردستان عراق که از افتخارات جنبش ناسیونالیسم کرد است، زن ستیزی به اوج رسیده است، قوانین بربریت اسلام قانون «سرداران» کرد حاکم است و رسماً و قانوناً نصف جمعیت که زنان باشند، آدم حساب نمیشوند. در احزاب ناسیونالیستی کرد، در فرهنگ عهد عتیق آنها، زن ابزار و خدمتگذار مرد است و پیشیزی ارزش ندارد. اما هیچکدام از اینها با عث کله گزاری از جانب خیل عروج کرده و مدافع پوشش بعنوان هویت «کرد» نمیشود. هیچکس خودش به جوش نمی آید، هیچکس عاملین این بربریت را به ناسزا نمیگیرد و هیچکس در این صف فراخوان به زن و مرد شرافتمند و متمدن آن جامعه برای طغیان علیه این توحش دوره تحجر نمیدهد. هیچ رهبر و سخنگو و شاعر و نویسنده جنبش ناسیونالیسم کرد از بالا تا پایین صدایش در نمی آید و خود رسماً عاملین این توحشند و کسی «هشتک زن انسان است» راه نمی اندازد.

اما دوره خانگانی، دوره اشرافیت فئودالی، دوره تحجر بشری، دوره تقدیس کلاه «کیپا» یهودیان، صلیب مسیحت، دوره «جبهه و شمال و کلاه» دوران قاجار، فرنجی کردی و «تُرک» ترکها به عنوان پرچم پایان یافته است. در این گذر جناب مهتدی و مهتدی های قوم پرست همه نوع از ناسیونالیسم، جز رسوایی در میان مردم متمدن چیزی نصیبشان نخواهد شد.

تبدیل لباس سنتی عهد فئودالیسم، به پرچم سیاسی، دامن زدن به هویتهای کاذب، تقدس لباس و زبان و سرزمین چه به نام کرد، چه به نام فارس، ترک یا عرب، درست مانند مسلمان و غیر مسلمان، کافر و غیر کافر، سرمایه گذاری بر احساسات قومی و مذهبی نتیجه ای جز راه اندازی جنگهای صلیبی، فرقه ای و پاکسازی قومی و ... ندارد. این ظرفیت ارتجاعی است که «کوکلوس کلان» های نژاد پرست در آمریکا، فاشیستها در اروپا، آریایی پرستان در ایران، قوم پرستان امثال مهتدی و سازمانش در کردستان، تا فرقه های مذهبی و ضد فلسطینی در اسرائیل، حشد الشعبی در عراق و تا جمهوری اسلامی و باندهای اسلامی در ایران و ... را به پدیده هایی خطرناک و در تقابل با آزادی و سعادت مردم تبدیل میکند.

بی شک در سیر تحولات ایران اگر باندهای جمهوری اسلامی، از سپاه پاسداران تا بیت رهبری و فوکل کراواتی های آنها یک پای اصلی خون پاشیدن به جامعه و قرار دادن همسایه در مقابل همسایه به عنوان دشمن خونین خود باشند، فرقه هایی امثال «سازمان» آقای مهتدی و مجاهد، سلفی و... نیز آتش بیاران معرکه و پای دیگر این سناریویند. ما بر این ظرفیت آگاهیم و از همین رو همیشه بر ضرورت افشا و طرد و ایزوله کردن این پیروسهای قومی، اسلامی و ارتجاعی تاکید داریم.

آقای مهتدی بار دیگر تلاش کرد از این مجال برای عروج یک فالانژیسم کور قومی استفاده کند. خود پدیده به مردم کرد زبان مربوط نیست. هدف مهتدی و فعالین و سخنگویان قومی و مذهبی که از تفاوت رنگ پوست و زبان و محل زندگی و اعتقادات مردم هویت و پرچم سیاسی میسازند هم دلسوزانند برای مردم زحمتکش نیست. در کنار اردوگاه جناب مهتدی در سلیمانیه روزانه زن کشی و قتل عمد از زنان به جرائم ناموسی، کودک آزاری و فقر و بی حرمتی به مردم کارگر و زحمتکش، تحقیر و توهین به همان مردم کرد زبان، از سر کول جامعه بالا میروند، در گوشه کنار شهرهای بزرگ و کوچک کردستان، آذربایجان، تهران، خوزستان و... دهها میلیون کارگر و زحمتکش، مستقل از زبان و ملیت و دین و آیین آنها، توسط بورژواهای گردن کلفت کرد، ترک، عرب و بلوچ و فارس زبان، زندگی و هستی شان به تباهی کشیده شده و برای نان شب خود و خانواده هایشان هر فشار و جان کندن و توهین و اهانت و بی حرمتی را جبرا تحمل میکنند و مهتدی های آن دیار نه اعتراضی دارند و نه خونشان به جوش می آید و نه رگ گردنشان بیرون میزند و نه در دفاع از آنها و علیه بی حرمتی و توهین و اهانت به آنها کلو پاره میکنند. اینها همان چوپانهای جامعه کردستان و بقیه ایران اند و اشراف و اشراف زادگان و روشنفکران و شعرا و سیاستمدارانند نه تنها دلیلی ندارد خم به ابرو بیاورند، بعلاوه خود در توجیه این موقعیت در کنار همان بورژواها و حکام تشریف دارند...

نه قومی نه مذهبی زنده باد هویت انسانی



یک فعال جنبش شوراها از کردستان عراق سخن می گوید

مقدمه چاپ دوم

یادداشتهای این جزوه در اصل دست نوشته هایی هستند که روزشمار جنبش شورایی مارس ۱۹۹۱ کردستان عراق را به ثبت رساند. این دست نوشته ها ابتدا به زبان کردی و بعد به فارسی ترجمه شد. نسخه کردی آن در کتابی سیصد صفحه ای تحت عنوان « بزوتنه وه ی شورایی له کوردستانی عیراق » ... چاپ شده است. این کتاب مفصلا به تحولات آن دوره و مسایل گوناگون جنبش شورایی در کردستان عراق پرداخته و اسناد خیلی بیشتری را جمع آوری کرده است.



چاپ اول این دستنوشته ها به زبان فارسی در روزهای پایانی جنبش شورایی منتشر شد. در آن زمان به دلیل امنیت نویسندگان در کردستان عراق با نام مستعار شیرکو منتشر شد. اما کتاب «جنبش شورایی در کردستان عراق» که مدتی بعد چاپ شد امضای واقعی نویسندگان و جمع آوری کننده را دارد.

تجارب جنبش شورایی در کردستان عراق که در این یادداشت ها آمده و در کتاب مذکور هم با تفصیل بیشتری منتشر شده است برای جنبش اجتماعی و خیزش های توده ای مردم کردستان عراق بسیار آموزنده و یاری دهنده است. همچنین این تجارب برای فعالین و مردم آزادیخواه و برابری طلب کردستان ایران هم اهمیت دارد.

کتاب « جنبش شورایی در کردستان عراق » که به زبان کردی است و شامل این جزوه هم می شود در کتابخانه های شهر سلیمانیه و آرشو حزب کمونیست کارگری کردستان عراق جود دارد.

مطالعه و معرفی این تجارب را به همه ی فعالین جنبش شورایی و آزادیخواهان و برابری طلبان توصیه میکنم.

مظفر محمدی- دی ماه ۱۳۹۹ - ژانویه ۲۰۲۱



تماس با حزب



@Hekmatistx

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

کمیته تبلیغات: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

دفتر کردستان حزب: محمد راستی

mohammed.raasti@gmail.com

حکمتیست هفتک

سر دبیر: فواد عبداللهی

یک فعال جنبش شوراها از کردستان عراق سخن می گوید، یادداشتهایی در باره یک قیام، یک پیروزی و یک شکست.



مظفر محمدی